

در محصول نهایی است.

رویکرد ما در حوزه معدن و چه در حوزه بازاریابی فروش، علمی نیست همه آن مبتنی بر تجربیات است، سعی نکردیم شرکایی از خارج داشته باشیم تا از آنها روش بازاریابی فروش حتی تولید و استخراج محصول را یاد بگیریم که توان رقابت داشته باشیم؛ نباید بترسیم از اینکه خارجی‌ها وارد شوند خارجی‌هایی که صاحب سبک و صاحب علم و صاحب تکنولوژی باشند هر چقدر آنها وارد استان ما بشوند به ما کمک می‌کنند که ما به روز و تر بین‌المللی تر فکر و عمل کنیم که این احتیاج به زمینه‌سازی دارد.

من فکر می‌کنم این باید به صورت یک خواسته از طرف تشکل‌های بخش خصوصی و مسئولین محلی به وازرخانه، اعلام و پیگیری شود.

استاندار به عنوان یک آدم دلسوز، فعال و علاقمند باید اطلاعات درست از بخش خصوصی بگیرند و به وازرخانه منعکس کنند و همزمان بخش خصوصی هم خواسته‌هایش را به وازرخانه منعکس کند متأسفانه این اتفاق نمی‌افتد. آقای وزیر یا معاونشان هر وقت می‌آیند ۲ یا ۳ بازدید از ۲ تا ۳ تا مجموعه بزرگ در

استان دارند و هیچ وقت در مسیرشان نمی‌روند

از چند معدن کوچک بازدید کنند و بدانند یک مجموعه‌ای که با ۲۰ تا ۳۰ کارگر سرو و کار دارد و کار می‌کند چه مسائلی دارد و وضعیت چگونه است؛ این خواسته‌ها باید منعکس شود به وازرخانه این موضوع را هم در قانون و هم در دستورالعمل به آن توجه کنند.

همانطور که عرض کردم این نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که چه برای مزایده صادر می‌شود و چه برای پیگیری و اجرا، متأسفانه دستورالعمل‌هایی که بدون توجه به مسائل منطقه‌ای و بدون توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای استان در وازرخانه اتخاذ می‌شود. یک دستورالعمل صادر می‌شود که از چاه‌ها تا رومیه باید

قانونی را اجرا کنند در حالی که بعضی از استان‌های کشور اصلاً معدنی نیستند و غیر از معدن شن و ماسه هیچ معدن دیگری ندارند و با استانی مانند کرمان که گوشه گوشه‌اش پتانسیل معدنی است کاملاً متفاوت هستند و شرایط اقلیمی شان کاملاً متفاوت است حتی دوستان سازمان صنعت، معدن و تجارت کرمان در جریان هستند با آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها به شدت در اجرا مشکل داشتند. آنها هم باید قانون را رعایت می‌کردند. هم بعضی از این قوانین واقعا قابل اجرا نبود اما این را به جان خریدند که هر طور هست آن را اجرا کنند.

چه نظری در مورد واگذاری پهنه‌های معدنی که در سال ۹۴ انجام شد، دارید؟

پهنه‌ها به مجموعه‌هایی واگذار شده که عموماً شبه دولتی هستند یا وابسته

به نهادها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نهادها و مجموعه‌هایی مثل سرچشمه و گل‌گهر و امثالهم. این مجموعه‌ها هدفشان مشخص است و صرفاً دنبال مس یا آهن و یا دنبال چیزهایی شبیه این می‌گردند، بعضی کارهای اکتشافی را که من کمابیش در جریان هستم هیچ رویکردی به سایر مواد معدنی ندارند. هیچ کدام این‌ها توجهی به سنگ‌های تریینی ندارند و صرفاً به مس و پلی‌متان و آهن می‌خواهد برسند. در مورد خیلی عناصر دیگر هیچ فعالیتی صورت نمی‌گیرد. دولت برای جبران عقب ماندگی در حوزه اکتشاف این طرح را داد ولی شخصاً علیرغم تمام تلاشی که در استان‌ها می‌شود، بعید می‌دانم نتیجه مطلوبی به دست آید.

اشاره‌ای به بحث معدن در برنامه ششم توسعه که در حال تدوین است داشته باشید.

خوشبختانه به حوزه معدن در اقتصاد مقاومتی توجه خوب و ویژه‌ای شده و نکته‌ای که هست فکر می‌کنم تفکر سیستمی باید بر سیاست‌گذاری حاکم شود و همه جانبه به موضوع معدن نگاه شود، صرف اینکه ماده خام صادر نشود کفایت نمی‌کند و باید به زنجیره ارزش، به واقعیت موجود در استان و منطقه، نگاه کلان داشته باشد و بحث‌های تامین مالی و تامین مالی ارزان‌تر جدی گرفته شود. نکته بعدی بحث آموزش در دانشگاه‌ها است و آموزش معدنی به قول معروف از تفنن باید فراتر برود و جدی گرفته شود.

لازم است که این ارتباط با دانشگاه‌های خارج و موسسات و شرکت‌های خارجی که آموزش‌های به روز به معدن‌داران و فعالان در این عرصه می‌دهند ارتباط برقرار کنیم.

یک نکته بسیار مهم دیگر بحث ایمنی در معادن است که به دلیل هزینه‌بر بودن و یا تصور این که هزینه‌بر است کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه ارتباطات بین‌المللی برای جذب شریک خارجی و خرید و فروش مواد معدنی باید با دید دیگری به موضوع نگاه کرد.

من تاکید دارم در بخش معدن، حمایت حاکمیت را نمی‌خواهیم چون همیشه حمایت به ضرر ما تمام شده و می‌خواهیم فقط دست بخش خصوصی را در حوزه‌هایی که مربوط به دولت نیست باز بگذارند و در این حوزه‌ها وارد نشوند.

در آخر، یک بار دیگر به استراتژی توسعه معدنی استان بپردازیم. چه نهادی باید محور باشد و چه رویکردی دنبال شود؟

موضوع استراتژی را سه دولت در حوزه معدن دنبال کردند اما هر بار دولتی آمد برای خودش یک استراتژی تعریف کرد و استراتژی قبلی را نقض کرد. برای همین فکر می‌کنم باید استراتژی برای حوزه معدن استان داشته باشیم و این شدنی است. یک استراتژی معدنی برای استان کرمان و یا حتی جنوب شرق کشور تعریف شود و بر اساس آن پیش‌بینی شود که صنایع پایین دستی معدنی در کدام مناطق شکل بگیرند، دانشگاه‌ها در هر منطقه‌ای چه تخصصی را به‌پروارند و چه رشته‌هایی را آموزش بدهند و برای حمل و نقل معدنی چاره‌اندیشی شود. یکی از مشکلات حمل و نقل و ترانزیت است؛ اگر استراتژی معدنی استان تعریف شود بسیاری از تناقضات و مشکلاتی که هست قطعاً مرتفع خواهد شد و گرفتاری‌هایی که اکنون داریم را نخواهیم داشت و اتلاف منابع و مازاد تصمیم‌گیری‌ها هم اتفاق نخواهد افتاد.

من فکر می‌کنم که تدوین استراتژی اگر از طریق بخش خصوصی یعنی اتاق بازرگانی و خانه معدن باشد و آقای رزم حسینی، دستگاه‌ها را مکلف به همکاری کند، خیلی خوب و به سرعت اتفاق خواهد افتاد و می‌تواند الگویی برای سایر استان‌ها هم باشد، اما اگر قرار باشد این در دستگاه‌ها اتفاق بیفتد بروکراسی دستگاه‌ها سرعت کار را خواهد گرفت. بهتر است اتاق بازرگانی این مسئولیت را بر عهده بگیرد و همه دستگاه‌ها همکاری کنند تا یک استراتژی برای ۱۰ یا ۱۵ سال آینده معدنی استان تعریف شود و براساس آن همه دستگاه‌ها خودشان را با آن تنظیم کنند.

